

حریم خصوصی

حق فراموش شده مردم



کامبیز نوروزی

حقوق دان

وقایعی مانند ماجراهای پوشش زنان و ورود به ملک غیر به خاطر میهمانی‌ها و بستر کافه‌ها و مغازه‌ها و... طرح چندباره بحث حریم خصوصی ولو به اختصار را ضروری می‌کند. حریم خصوصی بخش‌هایی از زندگی اشخاص است که عرفاً و عادات افراد مایل نیستند دیگران وارد آنها شوند و از آنها کسب اطلاع شود. محل زندگی، وسایل شخصی مانند گوشی موبایل، کیف، لباس و جیب، داخل خودرو، بدن و چهره و صوت، محل‌های کار خصوصی که ورود به آنها مستلزم اجازه قبلی است، هر نوع رایانه و اطلاعات آن، زندگی مالی و... از مصادیق حریم خصوصی‌اند. شریعت حریم خصوصی را محترم می‌شمارد؛ ازجمله در قرآن کریم سوره نور آیه ۲۷ (منع آیه ۱۱ (منع تجسس). در منع ورود یا نگاه به خانه دیگران، استراق سمع، افشای اسرار خصوصی و... روایات بسیار است. طبق اصول بیست‌ودوم، بیست‌وسوم و بیست‌ونجم قانون اساسی، منع تعرض به حیثیت و جان و مال و مسکن اشخاص و منع تفتیش عقاید و منع سانسور و استراق سمع و هرگونه تجسس تصریح شده است. از مهم‌ترین اسناد شرعی و حقوقی حریم خصوصی، بندهای ۶ و ۷ فرمان هشت‌ماده‌ای مرحوم امام (۱۳۶۱) است: «هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت... و تجسس از گناهان غیر نماید... تمام اینها جرم [و] گناه است... و مرتکبین هریک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد». این عبارت قاطع بی‌نیاز از تفسیر است.

۴۳ ادامه‌در صفحه ۷

یادداشت

اقتصاد ایران در چنبره سیاست



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و **استاد دانشگاه مفید**

زندگی اجتماعی بشر همواره درهم‌تیدگی عرصه‌های سیاست، اقتصاد و اجتماع را تجربه کرده است. از نگاه کلاسیک‌های اولیه و ازجمله مارکس، اقتصاد چیزی فراتر از محاسبات تولید و مصرف بود؛ تصویری جامع از نظام اجتماعی. تا نیمه دوم قرن نوزدهم، عنوان «اقتصاد سیاسی» خود گویای این پیوند بود؛ علمی که سیاست، تاریخ اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی را در کنار اقتصاد قرار می‌داد. اما با تفکیک علوم اجتماعی و تلاش برای شبیه‌سازی اقتصاد به علوم طبیعی، ریاضیات به‌عنوان زبان مسلط وارد شد تا ارزش‌زدایی و جهان‌شمولی را تضمین کند. نتیجه، فاصله‌گرفتن از واقعیت‌های اجتماعی بود؛ چنان‌که ناتوانی اقتصاد جریان اصلی در پیش‌بینی بحران مالی ۲۰۰۸ به‌عنوان نشانه‌ای از بریدگی آن از واقعیت تعبیر شد. امثال این تجربه سبب شد برخی برندگان نوبل اقتصاد در دهه‌های اخیر -از ویلیامسون و نورت تا عجم‌واغلو و الینور آستروم- دوباره بر ضرورت بازگشت به مباحث بین‌رشته‌ای و اقتصاد سیاسی تأکید کنند. ناپدیدگرفتن پیوند اقتصاد با سیاست و جامعه، امکان تحلیل واقع‌بینانه را سلب می‌کند.

نهادهای سیاسی و مسیرهای اثرگذاری بر اقتصاد

سیاست از چند مسیر بنیادی بر اقتصاد اثر می‌گذارد: مسیر نخست، قانون اساسی به‌مثابه ریل‌گذاری کلان برای آزادی اقتصادی، مالکیت خصوصی، نظام انگیزشی و هدف‌گذاری‌های توسعه‌ای. در ایران، قانون اساسی دوگانه‌ای میان نهادهای انتخابی و انتصابی ایجاد کرده است. هر چند در آغاز کشمکش‌هایی میان این دو دسته وجود داشت، اما در عمل، مسیر اقتصاد دولتی با ترکیب سه بخش رسمی (دولتی، تعاونی و خصوصی) به پنج بخش واقعی (دولتی، شبه‌دولتی، عمومی غیردولتی، تعاونی و خصوصی) بدل شد.

۴۳ ادامه‌در صفحه ۱۰

چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۴
۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۳ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۷۰
۳۰ هزار تومان
۸ + ۱۲ صفحه



روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: معامله نظامی سودان و روسیه در اوج جنگ داخلی؛ سایه مسکو بر کانال سوئز • گزارش «شرق» از روزگار سخت افراد دارای معلولیت • اعتراض صنفی به بازداشت بازیگران

رئیس مجلس شورای اسلامی، در دومین نشست خبری خود در مجلس دوازدهم:

رفع فیلتر تلگرام دنبال می‌شود

فیلترینگ به شکل موجود را اشتباه می‌دانم



این گفت‌وگو در صفحه ۲ بخوانید عکس: سپهناز تاجی شرق

چشم‌انداز همکاری‌های تهران- پکن در عصر اسنپ‌بک در گفت‌وگو با اسماعیل بشری و حامد وفایی

چین امروز وایران پساماشه

یادداشت

طعم گیلاس و عطر بهار نارنج



احمد مسجدجامعی

تهی شده و مقصود را نمی‌رساند و جای خود را به سینمای مناسک‌زده داده است. می‌دانیم هنر جدید و سینما پیشینه‌ای درخشان در غرب عالم دارد و از جهات تکنیکی برتری با آنهاست، اما آنچه سینمای ایران را متمایز می‌کند، جنبه‌های فناوریانه نیست، بلکه نوع نگاه و نحوه روایت است که آن را بر فراز نشاندۀ است و کمتر جشنواره مهمی در عالم وجود دارد که خود را از تجربه سینمای ایران بی‌نیاز بداند. خانم نهال تجدد، نویسنده ایرانی و همسر ژان کلود چهره نامدار هنری، در کتاب خواندنی «ایرانی‌تر» بیان می‌کند که آثار کیارستمی در بیرون از ایران موجب خنثی‌شدن ادبیات و گزارش‌های تصویری آثاری مانند «بدون دخترم هرگز» -که فیلمی اغراق‌شده درباره سیاهی جامعه ایرانی است- شد. آقای کیارستمی جز در حوزه هنری، به ادبیات دلبستگی ویژه‌ای داشت و با خواندن مکرر آثار مولوی، سعدی، حافظ و از معاصرها نیما یوشیج و برخی دیگر، گزیده‌هایی انتخاب کرد و آنها را در برابر دوست‌داران فراوانش قرار داد. به‌واقع او به درون جان ایرانیان که با شعر جدید و قدیم آمیخته است، راه یافته بود و همین، نگاه او را متفاوت می‌کرد و البته به شیوه بیان متناسب با دنیای امروز دست یافته بود.

شعر، زبان جهان ایرانی است. ایرانی از کودکی تا مرگ در احاطه شعر است؛ لالایی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، مثل‌ها، سوگ‌نامه‌ها، عاشقانه‌ها،

یادداشت

حال جهان اتفاقی نیست



علی‌عسکری

این پاییز هم گلایه از روزگار و زمین و زمان، در زیر و روی کوچه و بازار شنیده می‌شود که هوای پاکیزه می‌خواهیم و آب کافی و خزان به‌موقع و زمستانی در پیش، که شبیه همان قدیم‌هایی باشد که فلان است و بهمان. می‌خواهیم و نمی‌دهند و نمی‌کنند و چه‌ها که به روز ما آورده‌اند!

پرواضح است و بدیهی که هرکسی در هر جای این سرزمین و حتی جهان امروز که بر مسندی تکیه دارد و مسئولی نمی‌اید، بر وقایع پیرامونش موظف است به تعهد و مسئولیت‌پذیری و خردورزی و پاسخ‌گویی؛ اما تا همین جای قصه را فقط گفتن و نالیدن و زمین

و زمان را به هم دوختن نته‌ها کافی نیست، بلکه ناراست است و دور از تمام واقعیت و حقیقت.

ما که نالانیم و البته آسیب‌پذیر و رنجور از این اوضاع، که بحق هم این‌گونه است؛ خود جز باد چه کاشته‌ایم که حالا در فصل برداشت می‌خواهیم جز توفان درو کنیم؟! کاش آن‌گونه می‌بودیم که حالا وقتی فریاد برمی‌آوریم؛

شما چه کرده‌اید که این‌گونه بی‌هوا مانده‌ایم و نفس به دشواری فرومی‌بریم؛ یا خود که سرحساب می‌شویم، بدانیم ما که سهم خود را برداخته‌ایم در هر آنچه وظیفه شهروندی‌مان بود در جهان. آیا نقش‌مان در این آلودگی‌های بی‌امان هیچ است؟! آیا وقتی ترسانیم و هراسان از چند لحظه بعد حتی، وقتی جرعه‌ای آب می‌نوشیم که آیا باز هم می‌توان سیراب ماند و خبر آمدن باران را از ناهادان هنوز بی‌خبر شنید؛ فقط خشک سالی طبیعی را علت

وزیر امور اقتصادی و دارایی در سی‌ودومین همایش ملی و سیزدهمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه

چاره‌ای جز تحول دیجیتال فوری صنعت بیمه نداریم

۴

برگزیده‌ها

گزارش تحقیقی «شرق» از آخرین وضعیت استادان اخراج‌شده از دانشگاه‌های سراسر کشور

نیمی از استادان اخراجی بازگردانده نشدند

همزمان با روزهای قرمز پایتخت مرگ و میرها ۲۰ درصد رشد داشت

نفس تهرانی‌ها به شماره افتاد

۶

گفت‌وگوی «شرق» با حمید درخشان و بهتاش فریبا در آستانه دربی ۱۰۶

سایه‌روشن‌های یک بازی بزرگ

۹



نگاهی به نقش تاریخی ایرانیان در دانش تولید رنگ جهان و روایت جاماندگی ایران از این صنعت سودآور

نجوای رنگ

یادداشت

با یاد شادروان حسن منتظر قائم



سهیل محمودی

اواخر پاییز بود یا اوایل زمستان ۱۳۶۲. فرقی نمی‌کند. از عصرهای کپ و شعر بود و سیگار. با سیدحسن حسینی، شاعر و نویسنده و مترجم والای روزگار، نشستہ بودیم. رفیق قدیم که تا هنوز در هجران او بی‌قرارم. شاید دوست دیگرمان شاعر و مترجم توانا وحید امیری هم بود. سید گفت عجله‌ای برای رفتن که نداری؟ گفتم نه. گفت عزیزتی تماس گرفته به نام حسن منتظر قائم. قرار است بیاید، تو هم باش. و این اسم برای ما آشنا بود. یادآور نام شهید مظلوم واقعه طبس. ساعتی بعد آقای حسن منتظر قائم آمد. هم‌تیپ و هم‌شکل و شمایل خود ما در آن سال‌ها. اما می‌خورد که ۱۰ سالی از من بزرگ‌تر باشد و پنج سالی هم از سیدحسن حسینی. گفت‌وگوها شروع شد. صحبت از اقدامی ضروری و مهم بود در عرصه رسانه‌های فرهنگی و جریان‌سازی در حفظ داشته‌های خودمان که پس از سال ۵۷ مغفول واقع شده‌اند. و پاسداشت شخصیت‌های گران‌قدری که هنوز هستند و ما در این چند سال آن‌طورکه باید، قدردان انسان نبوده‌ایم. جمله‌ای گفت که پس از چهل‌وچند سال در ذهنم به‌روشنی مانده است؛ اینکه اگر امروز به سراغ بزرگ‌ترهای فرهنگ و پیش‌کسوتان ادبیشه و هنر و ادبیات نرویم، مدتی بعد و به‌زودی با دریغ به مجلس ترحیم و ختم آنان خواهیم رفت. چقدر درست می‌گفت و چقدر با عاطفه و ارادت و اخلاص این نکته را یادآوری می‌کرد. حسن منتظر قائم می‌گفت با همت دوستان همدل، جریانی را می‌خواهیم در عرصه مطبوعات پیش ببریم که جبران قصور این سال‌هاست و قرار گذاشته‌ایم که به سراغ همه نیروهای فکری و فرهنگی برای مشاوره و نظرخواهی برویم. شاید ما که در آن لحظات مخاطبان حسن منتظر قائم بودیم، قدری داغ بودیم- و جوان نیز، عمق دغدغه او بسیار بود. به تجربه و دانایی، فردایی دورتر را می‌دید؛ طرافت و لطافتی که از درک ما جوان‌ترها در آن سال‌ها فراتر بود.

۴۳ ادامه‌در صفحه ۷